

صاحب‌زادگان

گفت و گویی با استاد حاج یحیی صنوبر لین سونگ

مترجم معروف قرآن کریم به زبان چینی

اشاره:

گزارش زیر، گفت و گویی است که آقای محمدرضا صالح، نماینده محترم جامعه المصطفی العالمیه در چین، با استاد حاج یحیی صنوبر لین سونگ، محقق و مترجم معروف قرآن کریم به زبان چینی، انجام داده است. در این گفت و گو محورهای مهم و جالبی از تحول فرهنگی - قرآنی چین و نیز تاریخچه ترجمه قرآن به زبان چینی و دیگر مسائل مربوطه مورد سؤال قرار گرفته و استاد به تفصیل به هر یک پاسخ داده است. ضمن سپاسگزاری از آقای محمدرضا صالح که این گفت و گو را ترجمه و ارسال کرده‌اند و نیز سپاسگزاری از آقای رضا مرادزاده که ویرایش و آوانگاری اعلام چینی آن را سامان داده‌اند، توجه شما خوانندگان گرامی را به متن این گفت و گو جلب می‌کنیم.

ترجمان وحی

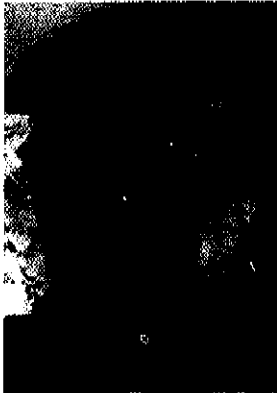
استاد! لطفاً مختصری از زندگی و شرح حال خود را بیان کنید.

— نام کامل من «یحیی صنوبر لین سونگ» (Yahaya. sai nu bai er. Lin song) است. یحیی، نامی اسلامی است که خانواده من پس از تولد برای من انتخاب کردند. به دلیل اینکه کسانی که یحیی نام دارند بسیار زیادند، حتماً باید نام دیگری به آن ضمیمه شود تا بتوان آنها را از هم تشخیص داد. لذا وقتی من بزرگ شدم صنوبر را به آن اضافه کردم. صنوبر در زبان چینی به معنای درخت کاج است. همچنین شهرت من «لین» است، لین سونگ به معنای جنگل کاج است.

«لین» به معنای تعداد زیادی درخت است. من از صنوبر به عنوان کلمه جمع استفاده کردم، به معنای جنگل بزرگ درخت کاج، که اتفاقاً با نام خانوادگی من تشابه دارد. جمع لین سونگ و

صنوبر با هم، معنای بسیار نزدیک ضرب المثل چینی «سرو و کاج همیشه سرسبز» را دارد.

من در سال ۱۹۳۰ میلادی در منطقه جنوب غربی از ناحیه مرزی چین در یک روستای بزرگ مسلمان نشین دارای شهرت جهانی به نام «شادین» (Sha dian) در استان یون نَن (Yun nan) به دنیا آمدم. این روستا از نظر اقتصادی پیشرفته است و از قدیم مردم بسیار باهوش و دانایی داشته و در میان مسلمانان چین شهرت فراوانی کسب کرده است. به عنوان مثال می توان گفت، در دهه ۳۰ قرن بیستم میلادی، از سراسر چین ۳۳ نفر طلبه و دانشجو برای تحصیل در خارج انتخاب گردیدند. این گروه به پنج



دسته تقسیم و به دانشگاه الازهر مصر اعزام شدند. در میان آنها آقای محمد «ماجیان» (Ma jian) معروف به «محمد مکین» که شهرت جهانی دارد و همچنین عالم بزرگ یوسف «جانگ زی رن» (Zhang zi ren) که در تمام مدت عمرش به فعالیتهای آموزشی اسلامی پرداخت و شاگردان برجسته فراوانی را تربیت کرد، حضور داشتند. از این میان کسانی که شهرتشان «لین» (Lin) است سه نفرند که دو نفرشان از خانواده من هستند؛ یکی از آنها پدر من یونس «لین شینگ هوا» (Lin xing hua) و دیگری عمویم عثمان «لین شینگ جی» (Lin xing zhi) و سومی سعید «لین جونگ مینگ» (Lin Zhong ming) است. بجز عمویم عثمان «لین شینگ جی» که مدت زیادی مقیم بندر جدّه عربستان سعودی بود، دو تای دیگر استاد دانشگاه زبانهای خارجی پکن بودند. این پنج نفر همه از روستای زادگاه من هستند که در گذشته اند. آرزو می کنم خداوند آنها را بیامرزد.

من از دوران کودکی، از استاد «محمد مکین» زبان عربی یاد گرفتم و نزد یکی از چهار آخوند معروف چین به نام هلال الدین «هاده چنگ» (Ha de cheng) قرآن را آموزش می دیدم. در همین دوران بود که از ادغام دانشگاه پکن و دانشگاه «چینگ هوا» (Qing hua) و دانشگاه «نن کای» (Nan Kai)، دانشگاه متحد جنوب شرقی تأسیس شد. استادان معروف چینی از سراسر کشور به ما زبان چینی، ریاضی، منطق، تاریخ، جغرافیا و علوم دیگر را آموزش می دادند. آنها فرصت به دست آوردن تحصیلات عالی با کیفیت بالا را برای ما فراهم

آوردند.

آنها در زمان جنگ با ژاپن، از منطقه «سانگ شیان» (Cang xian) به شهر «کونمینگ» (Kun Ming) در استان «یون نُن» (Yuhn nan) متواری و آواره شدند. در آن زمان استاد «محمد مکین» به ترجمه قرآن مشغول بود. به دلیل اینکه در آن زمان ژاپن یکسره حمله هوایی می کرد، او هر روز از مامی خواست تا متن ترجمه شده را در دفتر دیگری رونویسی کنیم و آن را در مناطق دیگری حفظ و نگهداری نماییم. فایده ای که این کار برای ما داشت این بود که در حال رونویسی، یک بار دیگر قرآن را یاد می گرفتیم. در آن زمان آخوند یوسف «جانگ زی رن» (Zhang ziren) هم معلم ما بود.

بنابراین، آموزش اسلامی و قرآنی من از کودکی بسیار عمیق بوده است؛ مخصوصاً به روش روخوانی آخوند «هاده چنگ» (Ha de cheng) که با استفاده از تجوید قرآن را تلاوت می کرد، بسیار علاقه مند بودم. آخوند «هاده چنگ» یک استاد زبان بود که با زبانهای انگلیسی، اردو، عربی و فارسی نیز آشنایی داشت. او وقتی در مسجد «جه جیانگ لو» (zhe ji ang lu) در شانگهای (Shang Hai) به عنوان امام جماعت فعالیت داشت، اغلب مهمانان خارجی برای نماز جمعه به این مسجد می آمدند. خطبه های او ویژگیهایی منحصر به فرد داشت و آنها را جداگانه به زبانهای عربی، انگلیسی، اردو و چینی ایراد می کرد و به همین دلیل خیلی مورد استقبال قرار می گرفت.

او قرآن را با صدای بسیار زیبا تلاوت می کرد. آهنگ صدایش به گونه ای بود که هر بار قرآن را تلاوت می کرد، قلب و درون ما به لرزه می افتاد و به همین دلیل بود که تدریس و روخوانی او باعث شد که من از همان دوران کودکی زیبایی قرآن را درک کنم.

البته مسلم است که قرآن شعر نیست، اما نیروی جذب کننده ای مانند شعر دارد. من فکر می کنم اگر قرآن به صورت قافیه دار (یا دارای آهنگ) ترجمه شود، بسیار زیبا می شود. من امیدوارم کسانی که به زبان عربی تسلط دارند و شاعران مسلمانی که شعر می سرایند و همچنین تحصیل کرده ها قرآن را ترجمه کنند.

لطفاً آن دوران تحصیل خود برای ما بگویید.

— مدیر مدرسه ای که من در آن درس می خواندم، تصمیم داشت مرا به دانشگاه الازهر

گفت و گویی با استاد حاج یحیی صنوبر لاین سونگ ... ۱۰۹ □

مصر اعزام کند، اما به دلیل تغییر و تحولات روزگار و اوضاع سیاسی در زمان جنگ با ژاپن، هنوز مدت زیادی از تسلیم شدن ژاپن نگذشته بود که جنگ آزادی بخش چین اتفاق افتاد و جامعه از پایه و اساس تغییر یافت و چیزهایی که من خوانده بودم، مانند عربی و دانستیهای دینی، دیگر فایده‌ای نداشتند.

بعد از تأسیس چین جدید، من از شهر «کونمینگ» (Kun Ming) مرکز استان «یون‌نن» (Yun nan) به پایتخت پکن آمدم، ولی هنوز در دل آرزوی تکمیل زبان عربی را داشتم، اما در آن زمان چین جدید هنوز با هیچ کشور مسلمانی رابطه برقرار نکرده بود. بسیاری از کسانی که رشته عربی را خوانده بودند، شغل خود را رها کرده و به حرفه‌های جدید روی آورده بودند. توسط استاد «محمد مکین» پیشنهادی از طرف استاد جمال‌الدین «بای شویی» (Bai shou yi) به من رسید که در مدرسه متوسطه وابسته به دانشگاه معروف «فورن» (Fu ren) مشغول تدریس شوم. من سالها به تدریس دروس چینی پرداختم، سپس در دانشگاه تربیت معلم پکن به تألیف «تاریخ عمومی چین» مشغول شدم. در پایان نیز به دانشگاه مرکزی اقلیت‌های قومی در پکن انتقال یافتم. می‌توان گفت که در ده سال اخیر، من از اول تا زمان بازنشستگی در سمت استادی و آموزش زبان چینی و در ادبیات قدیم چین مشغول تدریس و تحقیق بوده‌ام. من تمام تاریخ ادبیات چین، قسمتهای مختلف تاریخ ادبیات، اشعار دوران امپراتوری تانگ، ادبیات دوران «سونگ» (Song) و ادبیات دوران «یوان» (Yuan) را تدریس کرده‌ام. من ادبیات قدیم چین را خیلی دوست داشتم، اما هرگز فراموش نکردم که باید برای ملت خود و برای همکیشان مسلمان خود و در راه خدمت به دین اسلام و توسعه قرآن نیز خدمتی انجام دهم.

استاد! نظر شما درباره ترجمه منظوم قرآن چیست؟

— من همیشه آرزو مند و منتظر بودم که فردی ترجمه قرآن را به شعر بسراید، اما این آرزو هیچ‌گاه عملی نشد. من شخصاً در فکر بودم که به صورت آزمایشی این کار را انجام بدهم، اما جرئت آن را نداشتم، چون اشتغالات من در آن زمان خیلی زیاد بود و شخصاً اعتقاد داشتم که سطح معلومات من هم کافی نیست و شرایط لازم برای این کار را هم نداشتم.

استاد من «محمد مکین» که یک استاد زبردست بود، قرآن را قبل از انقلاب کمونیستی

ترجمه کرده بود، اما هنوز فرصتی برای چاپ و نشر آن پیش نیامده بود. بیشترین چیزی که انسان را متأسف می‌کرد، این بود که وقتی ترجمه کامل آقای «محمد مکین» به صورت رسمی چاپ شد، او دیگر در قید حیات نبود و نمی‌توانست نتیجه زحمات چندین ساله خود را ببیند. بنابراین، من در آن زمان هرچند خیال و هوس انجام ترجمه آزمایشی قرآن کریم را در سر داشتم، اما به کارهای روزانه متعدد که فاقد ارتباط با موضوع قرآن و اسلام بود مشغول بودم و همین مسئله موجب تضعیف معلومات و دانش زبان عربی من شده بود، و حتی مقداری از آن را هم فراموش کرده بودم. با این حال قرآن همیشه در قلب من تأثیر داشت و بی‌وقفه آن را می‌خواندم و تکرار می‌کردم.

پس از انقلاب فرهنگی و سرنگونی «باند چهار نفره» اوضاع در چین تغییر یافت. در آن زمان من توانستم با استفاده از زمان باقی‌مانده و با کمک گرفتن از اطلاعات جزئی که قبلاً کسب کرده بودم، چند مقاله و گزارش درباره اسلام بنویسم و تحقیقاتی مربوط به تاریخ نژاد مسلمان «هویی» چین انجام دهم. در این زمان بود که به صورت آزمایشی قرآن را ترجمه کردم.

در سال ۱۹۷۹ برای اولین بار گزیده‌ای از آیات و سوره‌های کوچک قرآنی مشهور میان مسلمانان چین را برای ترجمه انتخاب کردم و آن را ختم قرآن نامیدم. این کتاب منتخب آیاتی بود که در میان آنها تعدادی از سوره‌های کوتاه و همچنین تعدادی از سوره‌های بلند قرآن گردآوری شده بود. من آن را به صورت شعر ترجمه کردم و به وسیله انتشارات مرکز تحقیقات علوم دانشگاه مرکزی اقلیت‌های قومی به چاپ رسید. در آن موقع از این کتاب دو هزار جلد چاپ شد و به عنوان یک طرح آزمایشی در دسترس مسلمانان و عموم مردم قرار گرفت. در این کتاب بیشتر به نیازها و واکنشهای جامعه نسبت به قرآن توجه شده بود. پس از چاپ آن منتظر بودم ببینم آیا مورد استقبال قرار می‌گیرد یا خیر. بعد از اینکه کتاب ترجمه و چاپ شد، فوراً در مناطق مختلف توزیع شد و مورد استقبال فراوان قرار گرفت، به حدی که بیش از دو هزار نامه تشویق‌آمیز دریافت کردم. بسیاری از افراد در نامه‌هایشان نوشته بودند که این ترجمه برای عموم مردم، روان و قابل درک است و به راحتی بر زبان جاری می‌شود. آنها اظهار امیدواری کرده بودند که من همه قرآن را با این روش ترجمه کنم. در آن موقع در کشور ما چندین ترجمه قرآن چاپ شده بود، اما ترجمه کامل به صورت شعر و یا قافیه‌دار

گفت و گویی با استاد حاج یحیی صنوبر لاین سونگ ... ۱۱۱ □

هنوز وجود نداشت. بنابراین من شروع به ترجمه کردم و تمام آن حدود ۷ الی ۸ سال طول کشید. علت طولانی شدن ترجمه این بود که در طول ترجمه مشغله کاری هم داشتم و کارهای کوچک هم پیش می آمد. مدت زمان حقیقی که برای ترجمه صرف کردم تقریباً ۳ تا ۴ سال بود.

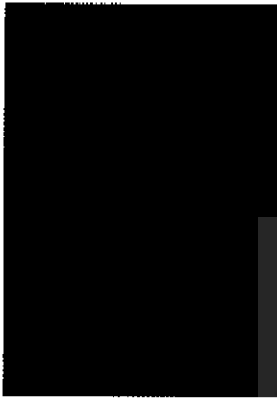
در آن موقع تحقیقات قرآنی هنوز یک کار تازه بود و کمتر کسی به دنبال آن می رفت، برای اینکه این کار جزء محدوده دین و مذهب بود و در دوران حکومت عناصر تندروی حزب کمونیست، این کار حتی یک منطقه ممنوعه بود و خیلی حساسیت برانگیز بود. در آن زمان من فقط می توانستم به صورت خیلی پنهانی ترجمه کنم. اما بعد از آغاز سیاست درهای باز، در سال ۱۹۷۸ م، شرایط به کلی عوض شد، و آن محیط مضطرب کم کم هموار و آرام شد، لذا من به طور مرتب ترجمه قافیه دار قرآن را کامل و تمام کردم، تا اینکه در سال ۱۹۸۸ م به صورت رسمی و آشکار به چاپ رسید و از همه جهات توجه خوانندگان را به خود جلب کرد.

استاد! مشکلات ترجمه قرآن به زبان چینی چیست؟

— در چین تحصیل کرده های مسلمان به دو دسته تقسیم می شوند، یک دسته از آنها کسانی هستند که بُن مایه و سطح زبان چینی آنها عمیق است و متن های خوبی هم می نویسند، اما با کتاب مقدس اسلام آشنا نیستند و عربی نمی دانند. گروه دیگر کسانی هستند که زبان عربی آنها خیلی خوب است و کتابهای مقدس دینی و احادیث را به خوبی می دانند، اما پایه زبان چینی آنها خیلی ضعیف است و نمی توانند با استفاده از زبان چینی متنی بنویسند. وقتی آنها در مورد مسائل دینی صحبت می کنند، از یک نوع زبان سنتی و خاص به نام «زبان مسجدی» یا «زبان مکتب خانه ای» برای بیان مقصود خود استفاده می کنند، و لذا کسانی که زبان مسجدی را نمی دانند، برای آنها خیلی سخت است که متوجه شوند سخنران چه می گوید. بنابراین آنها با کتابهای مذهبی و اسلامی آشنا هستند، اما این فقط محدود به صورت شفاهی و رو در رو می شود و نمی توانند به صورت کتبی ترجمه کنند، لذا محدوده تأثیرگذاری آنها خیلی کم است.

در ابتدای دوران سیاست درهای باز، هر چند برخی افراد تحصیلات ناپیوسته ای در مورد

فرهنگ اسلامی داشتند، ولی روشنفکران مسلمان هم خیلی کم بودند. تنها کسانی مانند من در مورد عربی و قرآن به عنوان پایه تحقیقات اسلامی اطلاعات محدودی داشتند. هم چنین کسانی که ادبیات قدیم چینی را تدریس می کردند، بسیار کم بودند. بنابراین من مورد توجه مسلمانان قرار گرفتم. همگان مرا در جهت ترجمه قرآن و تحقیقات اسلامی تشویق می کردند.



در میان تحصیل کرده های مسلمان، گویا علاقه من به قرآن بسیار روشن و واضح است. البته داستان من شبیه یک ضرب المثل چینی است که می گوید: «وقتی که ببر در جنگل نباشد، میمون پادشاه می شود». چون در آن زمان کسانی که کار تحقیقات اسلامی انجام می دادند خیلی کم بودند. در حقیقت، در آن زمان تحصیل کرده هایی وجود داشتند که بیشتر از من به دستاوردهای علمی بزرگ و عمیقی رسیده بودند، اما علاقه مندی آنها در جهت مسائل دینی نبود و کسانی که در امر تألیف کتاب کار می کردند

بسیار کم بودند. من خدا را شکر می کنم که در چنین شرایطی ریشه های ایمان من - که در زادگاهم پرورش یافته و ساخته شده بود - به اضافه علاقه و توقع پدر و مادر و دوستان مسلمانم سبب شد که تصمیم بگیرم برای نژاد و دین خودم خدمات شایسته ای انجام دهم. عناصر بسیاری باعث شد که من احساس کنم باید رشته تخصصی را که در گذشته داشتم محدود و یارها کنم و با تمام قدرت در مسیر ترجمه قرآن و تحقیقات اسلامی قدم بردارم.

البته تحقیقات اسلامی با شغل و رشته کاری من هیچ ربطی نداشت و به همین جهت تا حدی از سوی دیگران سرزنش و محکوم می شدم، اما من منتهای تلاش خود را می کردم تا تعهد شغلی خود را هم انجام دهم. در امر تدریس تا حدی از قانون و مقررات مربوط به زمان تدریس فراتر می رفتم. در زمینه تحقیقات علمی پژوهشی، تحقیقات خاص غیر مذهبی را بر عهده گرفتم و مقاله ای هم در این زمینه منتشر کردم که نتیجه اش نسبت به کارهای مشابه آن کم نبود.

با استفاده از وقت باقی مانده، در مورد مسائل اسلامی تحقیق می کردم، اما هنوز دچار

گفت و گویی با استاد حاج یحیی صنوبر لاین سونگ ... ۱۱۳ □

نوعی تردید و اضطراب بودم و نگران این بودم که شغل درستی ندارم یا نسبت به کار اصلی خودم بی توجه هستم. گاهی هم حرفهای نامربوطی به گوشم می رسید که با توجه به اینکه در آن زمان تحقیقات دینی در مرحله بسیار حساسی قرار داشت، ممکن بود تا حدی هم خطرناک باشد.

با این همه، من به حواشی خیلی اهمیتی نمی دادم، بلکه در پی تشویق مستمر مردم و توده مسلمانان، به خصوص حمایت پدر پیرم - که خدا او را بیامرزد - با شجاعت و قدرت تمام به سوی خدمت به عقاید پیش رفتم. پس از گذشت سالها تلاش و مبارزه، با همه موانع، بالاخره تلاشهایم مقداری نتیجه داد و توانستم ترجمه قافیه دار قرآن را در سال ۱۹۸۸ به چاپ برسانم. این کار کم کم توجه جامعه را به خود جلب کرد. در سال بعد، اول دهه ۹۰، من وارد سن بازنشستگی شدم، اما می توانستم باز به سرکار و پست قبلی خودم برگردم و کارم را ادامه دهم. بدین ترتیب من دوباره جذب کار شدم و به آموزش دانشجویان لیسانس مشغول شدم. اما در این میان ناگهان تصمیم گرفتم راه بازنشستگی را انتخاب کنم. با تکیه بر وقت و نیرویی که برای من باقی مانده بود، خود را از مشغله هایی که مزاحم کار اصلی من بود خلاص کردم و همه نیروهایم را جمع کردم و به امر تحقیق و آموزش درباره قرآن ادامه دادم.

من آگاهانه از خداوند سپاسگزارم که از سال ۱۹۹۱ که بازنشست شدم، یک قطعه آبی آسمان بر بالای سرم برای به حقیقت پیوستن آرزوهایم می دیدم. در حقیقت من از اوایل دهه ۸۰ شروع به تحقیقات نمودم و خود را وقف تحقیقات دینی و قرآنی کردم. البته در آن زمان فقط می توانستم در وقفهای اضافی به تحقیقات مورد علاقه ام بپردازم، چون ۸۰ درصد وقتم را می بایست برای تدریس و کارم در دانشگاه صرف می کردم؛ فقط می توانستم شبها به تحقیقات شخصی خود بپردازم. تا بعد از سال ۱۹۹۱ م که بازنشست شدم، بجز گاهی اوقات که تعهد کرده بودم که مقالات و گزارشهای محدودی درباره ادبیات بنویسم، اصولاً کارهای دیگر را که در گذشته در مورد رشته ادبیات قدیم انجام می دادم همه را رها کردم.

بعد از گذشت چند سال تلاش مداوم، نه تنها کار ترجمه قافیه دار قرآن را تمام کردم، بلکه مجموعه مقالاتی درباره شناخت قرآن را هم تألیف کردم که در سال ۲۰۰۷ با عنوان قرآن در چین منتشر شد.

بجز این، بر بیش از ۸۰ جلد کتاب از تحصیل کرده های مسلمان و غیر مسلمان چینی نیز

مقدمه نوشتیم که از میان آنها بعضی شان از من بزرگ تر بودند؛ بعضی هم دورگه آمریکایی بودند، البته بیشتر شان جوانان چینی بودند. من احساس می‌کردم که وظیفه دارم به آنها خدمت کنم. البته اینها به برنامه ریزی های من ضربه وارد کرد، چون وقتی می‌خواستم برای آنها مقدمه بنویسم، حتماً می‌بایست اثر آنها را بخوانم، لذا وقت من خیلی پراکنده و خرد شده بود. خیلی دلم می‌خواست نیروی خود را در یک رشته و پروژه خاص متمرکز کنم اما این کار خیلی سختی بود.

اندیشه تدوین فرهنگ‌نامه بزرگ قرآن با همکاری جامعه المصطفی چگونه

شکل گرفت؟

— قرآن والاترین کتاب آسمانی اسلام است. این کتاب زیربنای تنظیم قانون اساسی در کشورهای اسلامی و راهنمای زندگی، مذهب، آداب و رسوم حدود یک میلیارد و سیصد میلیون مسلمان در سراسر جهان است. همچنین قرآن مهم‌ترین سندی است که دانشمندان شرق و غرب در زمینه علوم و فرهنگ اسلامی آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند. برای کمک به انبوه بی‌شمار مطالعه کنندگانی که می‌خواهند همه جوانب قرآن را بفهمند، من اخیراً «فرهنگ‌نامه قرآن» را به صورت مجموعه‌ای منظم آغاز کرده‌ام. من تا به حال لغت‌نامه‌های بزرگ قرآن را در بسیاری از کشورهای جهان دیده‌ام؛ همه آنها تقریباً به صورت راهنمای موضوعات یا فهرست راهنما هستند؛ اگر بخواهید در این فرهنگها دنبال کلمه‌ای بگردید که در کدام فصل است و در هر بخشی چند بار آمده، خیلی راحت و سریع است، اما یادداشت توضیحی ندارد. البته کتابهای زیادی در زمینه تفسیر قرآن نوشته شده است و این تفاسیر با وجود اینکه بسیار دقیق و پرمحتوا هستند و در بعضی از آنها آیات قرآن به بیانهای متعدد تفسیر شده است اما خواسته خوانندگان را تأمین نمی‌کند و کلیه اطلاعات مربوطه و رموز مسائل را در اختیار خوانندگان قرار نمی‌دهد. این فرهنگ‌نامه که من آن را دسته‌بندی و تقسیم کرده‌ام، اگر تدوین آن با موفقیت تمام شود، به خواننده کمک بزرگی خواهد کرد، چون این فرهنگ‌نامه موضوع‌بندی شده و دارای منابع فراوانی هست. در این فرهنگ‌نامه موضوعات بسیاری وجود دارد که برای جلوگیری از تکرار، هر بندی که تکراری دارد، زیر آن مأخذ ذکر شده است؛ یعنی لازم نیست خواننده در این لغت‌نامه بگردد. امتیاز دیگر این فرهنگ‌نامه،

موضوع بندی کلی است، ولی از موضوع بندی خیلی کلی پرهیز می‌کند، تا خواننده بتواند از زوایای مختلف تمام موضوعات قرآنی را به سهولت پیدا کند. بنابراین، این فرهنگ‌نامه ارزش زیادی دارد و در چین بی‌سابقه است.

موضوعات کلی فرهنگ‌نامه بزرگ قرآن چیست؟

— تاکنون، این فرهنگ‌نامه به موضوعات کلی زیر تقسیم شده است:

۱. معرفی نام سوره‌ها ۲. نامهای زیبای خداوند ۳. توحید ۴. آیین و آداب دینی ۵. توصیف روز قیامت ۶. ادیان دیگر ۷. اخلاق و تزکیه نفس ۸. دیدگاه‌های اجتماعی ۹. جنگ و صلح ۱۰. ازدواج و خانواده ۱۱. زندگی روزمره ۱۲. داستان شخصیت‌های برجسته ۱۳. اسامی و القاب پیامبران ۱۴. اجزای بدن ۱۵. حیوانات، گیاهان و خوراکیها ۱۶. مواد معدنی فلزی ۱۷. وسایل ۱۸. کیهان و طبیعت ۱۹. ضمائر ۲۰. زمان و مکان ۲۱. آیه‌های حکمت‌آمیز ۲۲. حروف مقطعه (متشابهات) ۲۳. دعا ۲۴. آیه‌های نداء ۲۵. آیه‌های قسم ۲۶. آیه‌های سؤال ۲۷. ترجمه‌های قرآن ۲۸. سایر موضوعات.

ویژگیهای این فرهنگ‌نامه قرآنی را توضیح دهید.

— طبیعی است که هنگام تألیف می‌توان بر دسته‌بندی‌ها افزود و یا برخی از آنها را در هم ادغام کرد. بنابراین، این فرهنگ‌نامه یک کتاب ابزاری است که روشن‌ترین ویژگی آن دسته‌بندی و موضوع‌بندی است و شامل موضوع‌های مختلف می‌شود که از جمله آنها می‌توان کلمات کوتاه و آیه‌های حکمت‌آمیز و غیره را نام برد. در این فرهنگ‌نامه، واژه‌ها و کلمات قرآن توضیح داده شده و متن عربی با تلفظ لاتینی درج گردیده و مفرد، جمع، مذکر و مؤنث بودن واژه هم توضیح داده شده است. همچنین بعضی از واژه‌های قرآنی که دارای معانی مختلفی هستند بیان شده و نظرات مفسران درباره آنها درج گردیده است، تا خواننده بتواند معانی مختلف کلمات قرآن را درک کند. فی‌المثل درباره بعضی کلمات مشابه، مانند برخی اعداد و برخی حروف مقطعه، نظر مفسران آورده شده است، گرچه ما معتقدیم که این گونه کلمات نباید توضیح داده شوند.

درباره آیات و کلمات تکراری در قرآن فقط یک بار توضیح و شرح داده شده و بعداً فقط منابع تکراری قرآن را ذکر کرده‌ایم. همچنین تعداد تکرار نیز ذکر شده و اگر یک واژه معانی

مختلف داشته باشد، ذیل بند مربوط ذکر شده است.

نظر دیگران درباره فرهنگ‌نامه قرآنی چیست؟

من قبلاً با دانشمندان چینی و دانشمندان کشورهای دیگر در مورد تألیف و دسته‌بندی فرهنگ‌نامه قرآن صحبت کرده‌ام. آنها همگی از خود حمایت نشان داده‌اند، بلکه معتقدند این طرز فکر خیلی تازه و بسیار مفید و ضروری است. طبق این طرز فکر، این فرهنگ بعد از چاپ، ارزش ترجمه به زبانهای دیگر را هم دارد. همین مسئله خیلی بیشتر به من روحیه داد. اما من احساس می‌کنم که سنم به تدریج در حال بالا رفتن است و نیروی من محدود است و احاطه بر همه دانشها ندارم. تألیف و نوشتن فرهنگ‌نامه به افرادی توانا در زمینه‌های مختلف احتیاج دارد. این کار مانند تألیف یک کتاب تخصصی نیست که یک نفره بتوان آن را تمام کرد. اگر کتاب تخصصی بود، من می‌توانستم در هر شبانه روز از ساعات خواب و استراحت خود کم کنم و آن را تمام کنم، ولی فرهنگ‌نامه زمینه‌های مختلف علمی را در بردارد و به افراد توانمند در زمینه‌های مختلف احتیاج دارد. اگر من تنها باشم چگونه می‌توانم این کار بزرگ را به انجام برسانم؟ من در این مدت طولانی فقط عادت کرده‌ام که کار را خودم به تنهایی انجام دهم، من توانایی رهبری یک کار گروهی را ندارم.

آیا استفاده از نسل جوان در گروه نویسندگان فرهنگ‌نامه قرآنی ممکن است؟

— بسیاری از جوانان باگرمی به خواسته من جواب مثبت داده‌اند و قبول کرده‌اند که با من همکاری کنند تا این پروژه کاری را تمام کنیم، اما بیشتر آنها در کنار من نیستند و در مناطق مختلف کشور پراکنده‌اند. بعضی از آنها البته شهرت زیادی ندارند، اما خیلی دانا و باهوش هستند و استعداد بسیار زیادی دارند؛ اینها نخبگان آینده جامعه مسلمانان چین هستند. من تا جایی که بتوانم سعی می‌کنم جوانان دانشمند چینی را انتخاب کنم. من احساس می‌کنم انسان یکسره احتیاج دارد که آرام آرام تمرین کند و به تدریج پخته شود؛ مانند آقای «لوشون» (Lu xun) که گفته است: «علم و عقل انسان به مرور زمان تکمیل می‌شود». بنابراین، در جهت تألیف فرهنگ‌نامه بزرگ قرآن این طور به نظر می‌آید که من دنبال کسانی که شهرت زیاد و سن بالایی دارند نرفته‌ام. آنها اگر چه توانمندی‌شان خیلی زیاد است و شهرت بسیار زیادی هم

دارند، اما به دلیل کهولت سن، توانایی بعضی از کارها را ندارند. بعضی هم مشغول کارهای دیگری هستند. بنابراین من فقط می‌توانم به دنبال جوانهای سی تا چهل سال باشم. من معتقدم که آنها نخبگان قرن ۲۱ چین هستند. در مقابل، بعضی از دانشمندان تا به حال کتاب نوشته‌اند و بعضی مقاله منتشر می‌کنند و سبک نگارش بسیار خاصی دارند. یک عده هم به زبان عربی مسلط‌اند و با قرآن نیز آشنا هستند و قبلاً در خارج تحصیل کرده‌اند؛ مانند این است که «موج پیشین موج جلویی را به پیش ببرد» و شاگرد از استاد جلو بزند، بلکه برنده نیز بشود.

در حال حاضر بعضی از فوق لیسانس‌ها و دکترها در رشته‌های تخصصی خود موفق هستند، تألیفات آنان هم تقریباً پُر محتواست؛ اما آنها مباحث نژادی، دین اسلام و همچنین حس مسلمان بودن را درک نمی‌کنند. بعضی از آنها نیز از نظر اعتقادی چیزی ندارند و از جهتی می‌توان گفت که آنها نسبت به دین اسلام و قرآن بیگانه‌اند. این دسته از افراد می‌توانند در حوزه‌های دیگر استعداد خود را شکوفا کنند و با استفاده از زبان انگلیسی به کمالات برسند یا اینکه منعکس‌کننده تحقیقات دانشمندان غربی باشند و در کار تألیف فرهنگنامه بزرگ قرآن شرکت کنند، اما به هر حال این کار تلاشی بی‌ثمر است، چون آنها بر علوم و مهارت‌های لازم مسلط نیستند. در کار تألیف فرهنگنامه بزرگ قرآن، اول باید به دین و دینداری اعتقاد عمیقی داشت و به صورت عمیق دین اسلام را شناخت. تا به حال تقریباً سی - چهل نفر در این پروژه شرکت کرده‌اند. من هم موضوعات فرهنگنامه را بین آنها تقسیم کرده‌ام و بخشی از موضوعات هم که آماده‌ی ثمردهی بوده‌اند تا به حال نوشته شده‌اند، که به عنوان آزمایش و برای نظرسنجی از دیگران در «پایگاه اطلاع‌رسانی قرآن»^۱ منتشر می‌شوند. اما به دلیل اینکه خیلی‌ها در کنار من نیستند و در شهرها یا روستاها پراکنده‌اند؛ بعضی روحانی مسجد هستند و بعضی استاد دانشگاه و یا استاد راهنما و خلاصه هر کسی کار و مشغله مخصوص خود را دارد، عملاً میزان پیشرفت واقعی کار خیلی کند است. من هم آن را درک می‌کنم. آنها اصولاً مسئولیت و کار خود را دارند؛ مخصوصاً در این رقابت شدید و در این روند نگران‌کننده زندگی امروزی، فشار کاری هر کسی بسیار زیاد است. آنها اگر بتوانند در مواقعی که مشغول کار خود نیستند، مقداری وقت برای این پروژه بگذارند، همین هم

بسیار قابل تحسین است. بعضی از آنها تا به حال قسمت اول رساله را تمام کرده‌اند، بعضی هم پیشرفت کندی دارند، اما من خیلی از آنها سپاسگزارم. این آخرین پروژه کاری عمر من است. من بیشترین وقت و نیرو را برای تمام کردنش صرف کرده‌ام. با در نظر گرفتن دلایل بالا من شخصاً احساس فشار خیلی زیادی می‌کنم، اما باید خودم را تشویق کنم و به خودم نیرو بدهم. همچنین تک‌تک کسانی را که با من همکاری کرده‌اند تشویق کنم و به آنها روحیه بدهم. با وجود اینکه من این کار را نمی‌توانم تمام کنم، اما امیدوارم که آنها بتوانند به جلو بروند و کار را پیش ببرند و این پروژه کاری را خیلی خوب تمام کنند. صمیمانه آرزو دارم که خداوند به آنها کمک کند.

من از طرف ایران خیلی حمایت شدم. رایزنان فرهنگی سابق سفارت ایران در پکن مانند آقای مهدوی پور، آقای سابقی و همچنین آقای صالح که یکسره با هم در تماس هستیم، همگی خیلی به این پروژه توجه نشان دادند. آنها مرتب از پیشرفت کار می‌پرسیدند. من عمیقاً از آنها سپاسگزارم.

استاد! وضعیت پژوهشهای قرآنی در میان مسلمانان تحصیل کرده چینی در سالهای اخیر چگونه بوده است؟

– در سالهای اخیر، تعداد دانشمندانی که در کار تحقیق و بررسی قرآن شرکت کرده‌اند، روبه افزایش بوده و کار به تدریج در حال انجام شدن است. کسانی که مقاله می‌نویسند خیلی زیاد شده‌اند؛ به خصوص اینکه افراد مسن روشنفکر و بازنشسته در میان خودشان گروه تحقیقات قرآنی تشکیل داده‌اند. آنها تجربه‌هایشان را به صورت متن می‌نویسند و در روزنامه‌ها و مجلات منتشر می‌کنند و نه تنها در محدوده‌ای که مسلمانان هستند، بلکه حتی در مناطقی که تعداد مسلمانان کم هست نیز فعالیت دارند. به چند نفر از این نویسندگان اشاره می‌کنم:

۱. استاد «جین وی ده» (Jin wei de) از شهر «نن جینگ» (Nan jing)، که یکسره نوشته‌های پراکنده را به صورت گزیده آثار تألیف می‌کند.
۲. حاج «منگ جیان چیو» (Meng jian qiu) که یک جلد حدوداً ۴۰۰ صفحه‌ای «یادداشت‌های خواندنی از قرآن» را در پکن منتشر کرده است.

فعالیت‌های مربوط به ترجمه قرآن در چین چگونه است؟

— در حال حاضر کسانی که مشغول ترجمه قرآن هستند کم نیستند. در قرن بیستم، بجز ۱۴ ترجمه به زبان چینی و زبانهای اویغوری، قزاقی و قرقیزی، تاکنون از هر کدام یک نوع به چاپ رسیده که جمعاً روی هم ۱۷ نوع می‌شوند. در چاپ اول کتاب قرآن در چین که من در سال ۲۰۰۷ تألیف کردم، این مطلب را به صورت مفصل توضیح داده‌ام. غیر از اینها، در قرن حاضر باز سه نوع ترجمه از «مآجین پنگ» (Ma jing peng)، «مآجونگ گانگ» (Ma zhong gang)، «لی جینگ یوان» (li jing yuan) به چاپ رسیده است. تا جایی که من می‌دانم، کتابهای زیادی در حال آماده شدن برای چاپ هستند.

سبک‌های ترجمه قرآن چیست؟

— بعضی از متن‌های ترجمه شده کنونی، روی ترجمه متن اصلی قرآن تأکید می‌کنند و بعضی دیگر روی تفسیر قرآن؛ مانند آقای «مآجونگ گانگ» (Ma zhong gang) از شهر «کونمینگ» (kun ming) که با تأکید بر روی احادیث، متن قرآن را ترجمه می‌کند، اما آقای «جانگ چینگ چین» (Zhang cheng qian) معتقد است که نمی‌توان فقط از احادیث برای ترجمه استفاده کرد، بلکه باید از تفسیری که از بررسی‌های مختلف به دست آمده است هم استفاده کرد.

لطفاً آرای مربوط به ترجمه قرآن را توضیح دهید

— هم اکنون در جامعه در برابر ترجمه جدید قرآن دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد: دیدگاه اول موافق است و از ترجمه استقبال می‌کند. اما دیدگاه دوم مخالف است و نسبت به جواز ترجمه قرآن تردید دارد.

دسته اول از ترجمه قرآن حمایت می‌کنند و معتقدند که ترجمه‌های قرآن هر چه بیشتر باشد، بهتر و مفیدتر است. آنها معتقدند که قرآن کلام خداست و وحی است و به زبان عربی نازل شده، لذا هیچ ترجمه‌ای را - هرچند در سطحی بالا - نمی‌توان با متن اصلی برابر دانست؛ باید به تدریج و با گذشت زمان و به کمک علم آن را کشف کرد. ما باید دانش و علم خود را افزایش دهیم و رو به جلو پیشرفت کنیم. هر چه درخواست بیشتر باشد، ترجمه‌های بهتری تدوین می‌شود و از میان تعداد زیاد ترجمه‌ها می‌توان ترجمه‌های باکیفیت را انتخاب کرد.

آقای جمال‌الدین «بای شویی» جزو این دسته است. او می‌گوید: تاکنون از قرآن ترجمه‌های زیادی صورت گرفته ولی هر چه بیشتر ترجمه شود، بهتر است. انجیل تا به حال چند صدبار ترجمه و بیشتر از صدها بار چاپ شده است. لذا آنها امروزه ترجمه‌های چاپ شده نسبتاً تازه و معتبری دارند.

دسته دوم معتقدند که ترجمه‌های قرآن خیلی زیاد هستند و خوانندگان هم فرصت ندارند که همه آنها را بخوانند، پس چرانپرو، انرژی و منابع مالی را برای این کار هدر بدهیم. البته تعداد کسانی که این دیدگاه را دارند خیلی زیاد است؛ از جمله عالم بزرگ آخوند «دینگ جونگ مینگ» (Ding zhongming) از شهر «تای بی» (تایپه) در تایوان (Tai bei) درخواست کرده است که ترجمه قرآن را متوقف کنند. او معتقد است که ترجمه قرآن دیگر کافی است و احتیاجی به ادامه آن نیست.

اسناد! در این شرایط ترجمه گروهی قرآن چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟

بعضی از دانشمندان برای ترجمه سبک و روش جدیدی پدید آورده‌اند. آنان از وضعیت فعلی ترجمه احساس نگرانی می‌کنند. آنها احساس می‌کنند که اگر یک گروه از مترجمان سراسری و کشوری تشکیل دهند و همگی همدلی و همیاری کنند و یک گروه متمرکز تشکیل شود، در آن صورت می‌توانند به صورت متحد و مشترک ترجمه‌ای از قرآن را به صورت معتبر چاپ کنند. در واقع در این روش کیفیت بر کمیت ترجیح داده شده است. این گروه معتقدند باید فوراً ترجمه‌های شخصی را متوقف کنند.

این دو دسته، چه آنان که فکر می‌کنند ترجمه قرآن دیگر کافی است و چه آنان که فکر می‌کنند ترجمه هر چه بیشتر باشد بهتر است، نقطه نظر مشترک همه آنها حفظ عزت قرآن است. آنها امیدوارند که ترجمه کامل‌تر و مطلوب‌تری تدوین شود. گویا نظر همه آنها روشن و عاقلانه است.

در مورد تفسیر قرآن چند دیدگاه وجود دارد؟

— در مورد تفسیر قرآن نیز دو نقطه نظر مخالف پدید آمده است. نظریه اول این است که احادیث، اولین مرجع و عنصر شرح و تفسیر است. این نظریه مفسران سنتی است. گروه

گفت و گویی با استاد حاج یحیی صنوبر لاین سونگ ... ۱۲۱ □

دیگر معتقدند که قرآن نباید بیهوده و سرخود، شرح و تفسیر شود؛ باید خود قرآن را اصل قرار داد و به درک محدود تحصیل کرده‌های قدیمی و سابقه‌دار استناد کرد. آنها حتی احساس می‌کنند که در مورد درست بودن احادیثی که در تفسیر قرآن از آنها استفاده شده است نیز باید دقت نمود و با احتیاط آنها را بررسی کرد.

از نظر اصولی، منشأ پیدایش این دو نوع دیدگاه، همان حفاظت از عزت قرآن است که برای پدید آوردن ترجمه‌ای مطلوب‌تر امیدوارند که تفسیر قرآن نباید کم اهمیت جلوه داده شود.

مسئله این است که این دو نوع ایده با هم متضادند و نسبت به هم تناقض دارند. هر دو نظر قابل احترام است، اما نباید صاحبان این دو نظریه یکدیگر را سرزنش کنند و تفرقه ایجاد شود؛ آنها باید به هم احترام بگذارند.

برای مثال: گروه اول معتقدند که گروه دوم فقط بر حدس و نظریات خود تکیه می‌کنند و می‌خواهند نظریه‌های جدید ارائه دهند تا مشهور شوند و این بینش نسبت به تفسیر قرآن به دلیل عدم جدیت آنهاست.

در مقابل، گروه دوم به گروه اول حمله می‌کنند که آنها در فضای بسته می‌اندیشند و دچار عقب‌ماندگی و پیروی از اجداد خویشند و هیچ‌گونه پیشرفت و نوآوری ندارند؛ دنیا در حال تحول است، در تفسیر هم باید از علم و تکنولوژی استفاده شود. در نتیجه، درباره تفسیر هم این دو نوع نظریه متناقض وجود دارد و این دو دسته همیشه ایجاد اختلاف می‌کنند.

من در مورد زیاد شدن انواع ترجمه قرآن هیچ تعصبی ندارم. البته تأکید می‌کنم و انتظار دارم که یک ترجمه معتبر، قانونمند و شناخته شده با سطح و کیفیت بالا که بسیار کامل باشد و تماماً با متن اصلی مطابقت داشته باشد تدوین شود. شاید این نوع ترجمه را در هیچ زبان و کشوری نتوان یافت، اما حتماً باید یک ترجمه ممتاز وجود داشته باشد. شنیده‌ام که انجمن اسلامی چین در نظر دارد ترجمه قرآن استاد «مآجیان» معروف به شیخ «محمد مکین» را که در عربستان سعودی چندین بار به چاپ رسیده است بازبینی کند و گروهی را جمع کرده تا این ترجمه را بررسی و اشکالات آن را رفع کنند تا یک ترجمه خوب و سلیس ارائه بدهند. این کار مورد پسند و استقبال همگان قرار گرفته است. اما درباره ترجمه‌های جدید باید بگویم اگر مترجم بانیست خالص و با هدف یادگیری قرآن و تبلیغ قرآن کارش را شروع کرده باشد

نباید او را سرزنش کرد و با تنگ‌نظری به او نگاه کرد.

استاد! لطفاً کتابهای خود را معرفی کنید

– من همیشه خیلی خجالت می‌کشم از اینکه دوران پرارزش جوانی‌ام را به طور خیلی معمولی گذراندم. من از کوچکی فرهنگ اسلامی را خیلی دوست داشتم، اما مایه تأسف است که بیشتر وقت من برای کارهای دیگر صرف شد و اوقات با ارزش زیادی را از دست دادم. من اگر در آن دوران طلایی روی تحقیق و بررسی درباره اسلام متمرکز شده بودم، بیشتر می‌توانستم دین خود را به اسلام و قرآن ادا کنم. حالا که به سالهای پیری رسیده‌ام تازه شروع کرده‌ام، اما پشیمانی دیگر سودی ندارد.

آثاری که تاکنون موفق به تدوین آن شده‌ام – اعم از تألیف، ترجمه و مقالات – به شرح زیر است:

الف – ترجمه‌ها و کتابهای تک موضوعی

۱. گزیده‌هایی از قرآن (سال ۱۹۸۱، پکن)
۲. ترجمه قافیه‌دار قرآن، دو زبانه: چینی، عربی (ج ۱-۲، سال ۱۹۸۸، پکن)
۳. مجموعه دانستیهای قرآن (سال ۱۹۹۵، سی‌چوان)
۴. مجموعه دانستیهای قرآن (ترجمه به زبان اویغور، سال ۲۰۰۶، شانگهای)
۵. ترجمه چینی داستانهای تاریخی قرآن (سال ۱۹۹۵-۱۹۹۱، شانگهای)
۶. سفرنامه مکه (سال ۱۹۹۰-۱۹۸۵ به صورت پراکنده برای رسانه‌ها)
۷. «مخمس» (شعر عربی درباره ستایش پیامبر) سال ۱۹۹۲، نینگ شیا)
۸. مدایح (سال ۱۹۹۲، نینگ شیا)
۹. تفسیر حکیم منگسیوس (سال ۱۹۸۸، گویی جو، سال ۱۹۹۶، تایوان)
۱۰. مجموعه اشعار سفر به جنوب گنسو (سال ۱۹۹۲، پکن)
۱۱. «خاطرات زندگی روزمره در میان مسلمانان چین در پکن» EVERYDAY TIME
AMONG CHINESE MUSLIM IN BEIJING LIFE (چاپ انتخابی، سال ۱۹۹۱، توکیو، ژاپن)

۱. اسلام و فرهنگ چین (سال ۱۹۹۲، پکن)
۲. داستانهای قرآن (سال ۱۹۸۷، چاپ سین کیانگ، سال ۱۹۹۷، چاپ جدید، پکن)
۳. تاریخ ادبیات چین (قسمت سون لیائو جین، سال ۱۹۸۸، پکن)
۴. فرهنگ‌نامه بزرگ نژاد مسلمان هوئی چین (نسخه غیرنهایی، سال ۱۹۸۱، جیانگ سو)
۵. مجموعه نوشته‌های مربوط به تنظیم و آماده‌سازی چاپ لغت‌نامه قرآن کریم (۶ نوع)

چ - متن‌هایی که به صورت پراکنده منتشر شده

۱. در مورد تحقیقات و بررسی دریا سالار چنگ خیه (سال ۱۹۸۳-۲۰۰۵، ۲۰ متن)
۲. نگارش مقدمه و دیباچه کتاب برای کتابهای بعضی از دانشمندان (سال ۱۹۸۰-۲۰۰۷،

۸۰ متن)

۳. تنظیم و سرودن بیشتر از ده قطعه شعر، نشر، مقاله برای گرامی‌داشت و یادبود دانشمندان قدیمی مسلمان خارجی و داخلی (در سال ۱۹۷۶، حدوداً ۲۰۰ قطعه)
 ۴. علاوه بر اینها، من با یک تحصیل‌کرده مصری به نام محمد رجب جزاد که در دفتر خیرگزاری رسمی چین به نام «شین هوا» (Xin hua) در پکن کار می‌کرد، گزیده‌ای از شعرهای مربوط به مسلمانان چین در دوره‌های تاریخی مختلف را با همکاری هم تدوین کردیم. به دلیل اینکه متن اصلی شعرهای چینی متعلق به دوران قدیم است و به راحتی نمی‌توان آن را فهمید، ابتدا من آن را به زبان چینی معمولی ترجمه کردم و سپس او آن را به زبان عربی ترجمه و در مصر چاپ کرد.
- آثار یادشده، شامل کتابهای تک‌موضوعی تخصصی و یا مقالات پراکنده، به سرعت سوزدهای دینی اسلامی و تاریخی اسلامی در میان مردم چین شد. بخشی از این آثار به زبانهای ترکی، اویغوری، عربی، فارسی، انگلیسی و ژاپنی ترجمه شده و در مجله‌ها و روزنامه‌ها به چاپ رسیده است.

استاد! در ترجمه قرآن به چه مشکلاتی برخورد کردید و این کار چقدر طول

کشید و بعد از چاپ چه انعکاسی داشت؟

— من جرأت نمی‌کنم بگویم که ترجمه منظوم قرآن توسط من به پایان رسیده است. من از کوچکی همیشه امیدوار بودم که دیگران کار ترجمه قافیه‌دار قرآن را تمام کنند. هیچ وقت

فکر نمی‌کردم که خودم باید این کار را انجام دهم. تا اینکه دوران سالخوردگی من فرارسید، من دیدم که چندین نوع ترجمهٔ چینی قرآن به چاپ رسیده، اما هنوز ترجمهٔ قافیه‌دار نداریم. من در ابتدا فقط به صورت آزمایشی شروع به ترجمه کردم. هنگام ترجمه احساس می‌کردم که سبک نگارش قرآن شگفت‌آور است، هرچند نمی‌توان گفت که آن نثر یا شعر است، اما خیلی از واژه‌های آن آهنگ و صدای موزون دارند؛ از شعر زیباتر و از نثر نیز سلیس‌تر و روان‌ترند.

در مورد اقدام به ترجمهٔ قافیه‌دار قرآن من خیلی تشویق شدم؛ اما هنگام ترجمه، به مشکلات زیادی برخورد کردم، به دلیل اینکه ترجمه به صورت شعر به قافیه احتیاج دارد. وقتی می‌خواستم قافیه انتخاب کنم خیلی سخت بود، باید خیلی به خود فشار می‌آوردم، چون باید از بین این همه گروه کلمات غنی زبان چینی صدایی را انتخاب می‌کردم که اول و آخرش یکی باشد و در عین حال معنای اصلی آن عوض نشود. فقط گفتن آن آسان است! عوض کردن زیاد از حد آهنگ، باعث پیدایش شلوغی می‌شد، و حداقل باید تا مقدار خاصی قافیه حفظ می‌شد. بنابراین، در این زمینه، من بکسره به خود می‌پیچیدم. وقتی به جاهایی می‌رسیدم که دو دل بودم و نمی‌توانستم تصمیم بگیرم و یا کلمهٔ قافیه پیدا نمی‌شد، در پیش‌نویس یک علامت سؤال بزرگ می‌کشیدم، تا کم‌کم در مورد آن عمیقاً فکر کنم و کلمهٔ مناسبی را پیدا و به آن اضافه کنم. برای اینکه ترجمهٔ قافیه‌دار قرآن را خیلی بهتر تمام کنم، تمام کتابهای صداشناسی چین را جمع‌آوری کردم. هرچند در ترجمه کمبودهای بسیار زیادی وجود دارد، اما بالأخره آرزوی خود را عملی کردم.

کار ترجمهٔ قافیه‌دار قرآن هشت سال به صورت ناپیوسته طول کشید. در حقیقت از اول تا آخر حدوداً به صورت پیوسته سه چهار سال وقت گرفت. چون در دوران ترجمه کارهای فراوانی داشتم، مدت زیادی تأخیر داشت؛ اول پنج جزء نخست را ترجمه کردم. در آن زمان، من در دانشگاه تربیت معلم پکن با آقای جمال‌الدین «بای شویی» در حال تألیف کتاب تاریخ عمومی چین بودیم. زمان استراحت که می‌شد من از فرصت استفاده می‌کردم و به صورت پنهانی در خوابگاه دانشگاه به ترجمه می‌پرداختم تا اینکه بالأخره به دانشگاه مرکزی اقلیتها منتقل شدم.

انتشار آزمایشی ترجمه منظوم قرآن چگونه بود؟

... در آن موقع، من هم نگران بودم که به سختی بتوانم این کار را تمام کنم و هم اینکه خوب ترجمه نکنم و مورد استقبال قرار نگیرد. برای اینکه عکس العمل مردم را محک بزنم، اول به صورت آزمایشی «ختم قرآن» را که شامل سوره‌های کوچک جزء آخر قرآن بود منتشر کردم. پس از چاپ آن، مردم بیش از آنچه من انتظار داشتم از آن خوششان آمد و واکنش مثبت بسیار شدیدی از خود نشان دادند. از همه جای کشور تعداد زیادی نامه دریافت کردم. همه در مورد ترجمه من مطمئن شده بودند و از آن استقبال کردند. بعد از انتشار آن ترجمه توسط انتشارات آموزش و پژوهش زبانهای خارجی پکن، مناطقی مانند شهر «سن یا» (San ya) واقع در استان جنوبی «های نُن» (Shang Hai nan) که نسبتاً مسلمانان کمی هم دارند، یکبار به بیش از هزار جلد خریداری کردند. ما اول با کمک معاونت تحقیقات علمی دانشگاه، دو هزار نسخه در داخل دانشگاه چاپ کردیم. در آن زمان معاونت تحقیقات علمی مواد درسی را در داخل دانشگاه به صورت پلی‌کپی چاپ می‌کرد که معمولاً محدود به چاپ چند صد جلد می‌شد. اما این بار برای من هزار جلد آماده چاپ کردند. من فکر می‌کردم که این تعداد کافی نیست و امیدوار بودم که حداقل دو هزار جلد چاپ کنیم. اما دانشگاه مطمئن نبود، چون در آن زمان یک استاد دانشگاه توانایی مالی خوبی نداشت و لذا برای انتشار احتیاج به کمک هزینه معاونت تحقیقات علمی داشت. از سوی دیگر معاونت تحقیقات نگران بود که نتواند هزینه‌های مصرفی چاپ کتاب را باز پس بگیرد. من آنها را مطمئن کردم که حتماً می‌توانم هزینه را برگردانم. سرانجام قبول کردند که دو هزار جلد چاپ کنند. قیمت استاندارد آن زمان پنج مائو بود. همین که ترجمه چاپ شد، یک برادر مسلمان از شهر «شی آن» (Xi an) یکجا ۸۰۰ جلد از این ترجمه را از بخش تحقیقات خریداری کرد. بخش تحقیقات علمی بسیار تعجب کرد، چون این گونه کتابها را قبلاً اگر هدیه هم می‌داد کسی نمی‌خواست، اما کتاب من یکبار به این همه به فروش رفت. بعداً از همه جا برای خرید کتاب آمدند و کم‌کم همه آن توزیع و پخش و تمام شد. بخش تحقیقات علمی دانشگاه به من ده جلد داد، اما من خودم چندین جلد اضافی خریدم و هدیه دادم. بعد از چاپ، بیش از صدها نامه دریافت کردم که این نوع ترجمه را دوست داشته‌اند و فکر می‌کرده‌اند که خیلی راحت خوانده و درک می‌شود. بالأخره من موفق شدم قرآن را که پیچیدگی خاصی دارد، به صورت قافیه‌دار روان

ترجمه کنم. در این ترجمه سبک زیبایی قرآن و خاصیت پیچیدگی مطالب در نظر گرفته شده است. این ترجمه به خصوص مورد استقبال جوانان قرار گرفت. آنها همگی مرا تشویق کردند که حتماً با استفاده از همین سبک نگارش، تمام قرآن را ترجمه کنم. در سه چهار سال بعد، تقریباً هر شب بعد از تدریس روی ترجمه کار می‌کردم که گاهی تا نیمه‌های شب طول می‌کشید. در آن زمان خانه ما بسیار کوچک بود. همه خانواده در یک اتاق زندگی می‌کردیم. پدر من در خارج از پکن یک خانه داشت. برای اینکه مزاحم استراحت بقیه افراد خانواده نشوم، بعد از خوردن غذا با دو چرخه به خارج از پکن می‌رفتم و قرآن را ترجمه می‌کردم. هر شب تا حدود ساعت چهار صبح کار می‌کردم. سرانجام بعد از سه سال تلاش، اولین پیش‌نویس ترجمه قافیه‌دار کامل قرآن آماده شد. بعد از آن کتاب را برای بررسی به بخش دینی ارائه دادم و تقریباً دو سال منتظر ماندم. ترجمه قافیه‌دار قرآن به دو قسمت تقسیم شد. کتاب دو زبانه چینی - عربی پنجاه هزار سری چاپ شد. بجز آن، سی هزار جلد هم به زبان چینی بدون متن عربی قرآن چاپ شد، که دلیل اصلی آن خدمت به چینی‌های غیر مسلمان بود، چون آنها نمی‌توانند به متن اصلی کتابهای دینی دست یابند. از این دو نوع کتاب روی هم ۱۳۰ هزار جلد چاپ شد.

استاد: استقبال مردم از ترجمه منظوم قرآن کریم چگونه بود؟

— اکنون انتشارات فرهنگی دینی چین می‌خواهد با استفاده از ترجمه قافیه‌دار من کتاب جامع «تفسیر نفیس قرآن» را چاپ کند. تفسیر کتاب از آخوند «یانگ جن یه» (yang zhen) از شهر «تیان شویی» (tian shui) واقع در استان «گنسو» (Gan su) است و متن اصلی ترجمه از ترجمه قافیه‌دار من انتخاب و استفاده شده است. برای شرح و تفسیرها نیز از تفسیر ۸ جزء اول آخوند «وانگ جینگ جای» (Wang jing zhai) و استاد «ما جیان» معروف به شیخ «محمد مکین» استفاده شده است. من مجوز چاپ این کتاب را در مؤسسه انتشاراتی دیده‌ام، احتمالاً امسال به چاپ می‌رسد.

من وقتی در استان «نینگ شیا» (Ning xia) کار را شروع کردم، یک خطاط جوان به نام «ماهای مینگ» (Ma hai ming) با استفاده از کتابت «جوان شو» (Zhuan shu) (نوعی خطاطی چینی) ترجمه قافیه‌دار مرا به رشته تحریر درآورد و در یک جلسه بین‌المللی مربوط

گفت و گویی با استاد حاج یحیی صنوبر لنینسونگ ... ۱۲۷ □

به بحث و بررسی مسلمانان، در هتل «نینگ شیا» (Ning xia) به نمایش گذاشته شد. مدتی قبل، من وقتی به تالار کنگره ملی خلق رفتم، یک مدیر دانشگاه را که از نژاد «جوانگ» (Zhuang) بود دیدم، او به من گفت که خیلی دوست دارد کتابهای مقدس را مطالعه و بررسی کند، اما کتاب مقدس بودایی خیلی سخت قابل فهم است؛ قرآن کمی آسان تر است. او الآن دو نوع ترجمه دارد؛ یکی ترجمه قرآن «وانگ جینگ جای» (Wang jing zhai) با پیش گفتار «بای چونگ شی» (Bai chong xi) است و دیگری ترجمه قافیه دار من است. او گفت، به دلیل اینکه مسلمان نیست، بسیاری از اصطلاحات تخصصی ترجمه «وانگ جینگ جای» (Wang jing zhai) را نمی فهمد، اما ترجمه قافیه دار من برای او به راحتی قابل درک و فهم است و آن را مطالعه می کند.

معروف ترین ترجمه چینی قرآن کدام است؟

— البته، اگر بخواهیم از تاثیر قرآن در چین سخن بگوییم، مهم ترین و معتبر ترین نسخه، ترجمه آموزگار من استاد «ما جیان» معروف به شیخ «محمد مکین» است. محافل علمی و دانشگاهی که از قرآن استفاده می کنند، همگی از ترجمه او تعریف می کنند. عربستان سعودی هم ترجمه او را انتخاب کرده است. فقط بعضی از جوانان که متن های دارای وزن و آهنگ را دوست دارند به ترجمه قافیه دار من توجه دارند.

طرح قرآن چهارزبانه در اندونزی چیست؟

— اخیراً کشور اندونزی تصمیم گرفته است قرآن را با چهار زبان، شامل عربی، انگلیسی، چینی و مالایو به چاپ برساند و چون بسیاری از چینی زبانهای مقیم اندونزی ترجمه قرآن مرا دوست دارند، آن را برای چاپ انتخاب کرده اند. به همین دلیل، مدتی قبل به دعوت همایش بین المللی «دریانوردی» به اندونزی سفر کردم و در جا کارتا با مسئول انتشارات درباره چاپ قرآن چهارزبانه مشورت و مذاکره کردم. امیدوارم خداوند کمک کند که این قرآن به زودی چاپ شود و مورد استفاده مسلمانان اندونزی قرار گیرد.

عشق و علاقه به قرآن کریم را در میان جوانان مسلمان چین برای ما توصیف کنید.

— در حال حاضر افراد زیادی در چین درباره قرآن تحصیل و پژوهش می‌کنند. بزرگسالان و جوانان در این فعالیت مشارکت دارند، اما بزرگسالان بیشترند، چون فراغت بیشتری دارند. آنها برای آموزش و تحقیق قرآنی می‌توانند وقت بگذارند اما جوانان مسلمان به علت اینکه شرایط مختلفی دارند، در برخی مناطق کمتر به این کارها می‌پردازند، ولی در هر صورت تمایل جوانان مسلمان به یادگیری قرآن در حال افزایش است.

البته برخی جوانان کم‌کم از قرآن فاصله گرفته‌اند. این امر علل مختلفی دارد، مثلاً پراکندگی مسلمانان در شهرهای مختلف، فرصت ملاقات و فعالیت‌های اسلامی را از آنها گرفته است. همچنین برخی از جوانان تحت تأثیر ضعف آگاهی پدرانشان از قرآن و اسلام قرار گرفته و از قرآن و اسلام دور مانده‌اند؛ حتی بعضی در عمل تفاوتی با غیرمسلمانان ندارند. در این باره نمی‌توان آمار دقیقی ارائه کرد.

افزایش فعالیت‌های دینی در سالهای اخیر چگونه بوده است؟

— جای خوشبختی برای ما هست که در چند سال اخیر تعداد بسیاری از جوانان مسلمان به کشورهای اسلامی سفر کرده و در آنجا علوم اسلامی و قرآن را فرا گرفته‌اند. همچنین تعداد زیادی از دانشجویان حتی در مقاطع فوق لیسانس و دکتری به یادگیری قرآن علاقه نشان می‌دهند و بعضی از آنها در برخی استانها و شهرهای چین، در ایام تعطیلات تابستانی و زمستانی اردوی آموزشی تشکیل می‌دهند و به مناطق مسلمان‌نشین سفر می‌کنند تا فضای اسلامی آن منطقه را لمس کنند و از این فرصت استفاده کنند و علوم اسلامی را فراگیرند و ضعف آگاهی‌های دینی خود را جبران کنند. این جوانان در همه مناطق مورد استقبال مسلمانان قرار می‌گیرند. در چند سال اخیر عده زیادی غیرمسلمان دین اسلام را پذیرفتند و به آیین اسلام مشرف شدند و برخی از افرادی هم که از اسلام فاصله گرفته بودند به اسلام بازگشتند و شروع به یادگیری قرآن نمودند. حتی برخی از دانشجویانی که تفکر غیر دینی پیدا کرده بودند و به برخی احکام اسلام عمل نمی‌کردند، تحولات عجیبی پیدا کردند و به سمت یادگیری قرآن و اسلام رفتند. همه ساله در ماه رمضان در میان افراد روزه‌دار تعداد

دانشجویان و تازه مسلمانان در حال افزایش است و مسلمانان به آنها کمک مالی می‌کنند تا وضع معیشتی و زندگی آنها بهبود یابد. حتی بعضی از کسانی که در گذشته علیه اسلام و مسلمانان فعالیت منفی داشته‌اند توبه می‌کنند و به دامن اسلام باز می‌گردند. به هر حال به دلیل اینکه سیاست دینی دولت بهبود یافته، فضا نسبت به گذشته بازتر شده و مسلمانان می‌توانند آزادانه به فعالیت دینی بپردازند. دوران تفکر «دین افیون ملت‌هاست» گذشته است و هرگز بازمی‌گردد.

تأثیر تعالیم قرآنی را بر زندگی مردم چگونه ارزیابی می‌کنید؟

— تأثیر قرآن بر جامعه بسیار زیاد است. آنچه که من می‌دانم - چه در داخل و چه در خارج چین - صدای تأسیس جامعه صلح‌آمیز شنیده می‌شود. در حقیقت اسلام معنای صلح و آرامش دارد. به عبارت دیگر، تأکید دین اسلام بر صلح و آرامش بیشتر از ادیان دیگر است، ولی در حال حاضر قدرتهای سلطه‌جوی بین‌المللی این مسئله را وارونه و برعکس جلوه می‌دهند. آنها حق را باطل و باطل را حق نشان می‌دهند و تروریسم و خشونت را به مسلمانان نسبت می‌دهند و اسلام را به عنوان دین خشونت و ترور به جهانیان معرفی می‌کنند و حتی بی‌شرمانه به کشورهای مسلمان حمله می‌کنند و حاکمیت دیگران را نقض می‌کنند. طبق یک ضرب‌المثل چینی «یک دزد فریاد می‌زند: آه دزد، دزد» کسانی که تروریسم و خشونت را به اسلام نسبت می‌دهند، خود تروریست و خشونت‌طلب واقعی و آدمکش‌های بی‌رحم هستند. ما طبق دستورات قرآن با همه انواع ترور و خشونت مخالفیم و ظلم و ستم قدرتهای بزرگ به مظلومان و مستضعفان را نمی‌پذیریم. این اعتقاد از نام اسلام که بر دین ما گذاشته شده نشأت گرفته است.

چگونه می‌توان میان مسلمانان بر محور قرآن اتحاد برقرار کرد؟

— من معتقدم روحیه صلح و آرامش و وحدت می‌تواند بین کشورها، ملت‌ها و ادیان حتی افراد بیگانه روابط صلح‌آمیز برقرار کند. قرآن سرمشقی عالی برای رفتار بشر است، ولی متأسفانه در درون جامعه اسلامی وحدت و اتحاد و همبستگی زیادی وجود ندارد و بین کشورهای اسلامی و مذاهب آنها اختلافاتی مشاهده می‌شود. به جای اتحاد علیه دشمن مشترک، بین خودمان اختلاف و تفرقه داریم و حتی جنگ و کشتار بین برخی گروه‌ها ایجاد

شده است. مثلاً در فلسطین احزاب و گروههای فلسطینی به خاطر برخی مشکلات جزئی یکدیگر را متهم می‌کنند و علیه دشمن اسلام یعنی اسرائیل متحد نمی‌شوند. در این میان دشمن ما اسرائیل از اختلاف میان ماسود می‌برد. در حقیقت، در عرصه بین‌المللی کشورهای مسلمان یک قدرت بزرگ هستند، ولی به خاطر عدم وحدت و اختلافی که میان آنهاست حتی نمی‌توانند با اسرائیل که یک کشور کوچک است مقابله کنند.

تأثیر قرآن بر زندگی مردم و جامعه در یک سخن نمی‌گنجد. آیات زیادی در قرآن درباره اخلاق، خوش رفتاری با دیگران، عشق به وطن، صلح، نظم، رعایت حقوق بشر، کمک کردن به ضعیفان، حرکت علیه خشونت و فساد اخلاقی و مالی و تحریم قمار و شراب وجود دارد. مسلمانان باتقوا قانون را رعایت می‌کنند و اتحاد و وحدت را آزادانه و بدون اجبار، با علاقه تمام دنبال می‌کنند. علت آن این است که آنان خداوند را عبادت می‌کنند و به او امر خداوند و دستورات قرآن عمل می‌کنند. هر کس به دستورات قرآن عمل کند، حتماً بین ملتها و کشورها و افراد جامعه صلح و آشتی ایجاد می‌کند و با جنگ و کشتار مخالف است و دوست دارد همه کشورها در صلح و دوستی زندگی کنند.

استاد! پیشرفت اسلام در چین چگونه است؟

— تاریخ همیشه در حال پیشرفت است. در چین در یک برهه زمانی نسبت به دین کنترل شدیدی اعمال می‌شد. در آن زمان به خاطر شرایط خاص و ایجاد محدودیتهای گوناگون و القای اینکه افراد بی‌دین بهتر از پیروان ادیان هستند، تعداد زیادی از مردم از دین و قرآن فاصله گرفتند. مثلاً در زادگاه من، روستای بزرگ «شادین» در یون‌ن، در بیست سال قبل، گرچه دهها مسجد ساختند، اما نمازگزاران خیلی کم بودند، ولی در حال حاضر با اجرای سیاستهای باز توسط دولت چین و ارتقای سطح آموزشهای دینی نمازگزاران در آنجا زیاد شده‌اند و امنیت اجتماعی در آنجا بسیار خوب است. در آنجا کسانی که مواد مخدر مصرف کنند یا قاچاق کنند وجود ندارد. در گذشته مردم معتقد بودند که دینداری نشانه جاهلیت و عقب‌ماندگی است، ولی الآن اعتقاد به دین یک حق مقدس برای انسان به شمار می‌رود و تحت حمایت قانون است. الآن در آنجا کنار هر مسجدی یک مدرسه دینی وجود دارد که جوانان و بزرگسالان در آنجا هم به عبادت می‌پردازند و هم مسائل دینی را آموزش می‌بینند.

در روستاها و شهرک‌های مسلمان‌نشین «شادین»، «داجوانگ»، «تونگ‌های»، «ناجیا ینگ» در استان «یون‌ن» و سایر شهرهای مسلمان‌نشین، دانش‌آموزان پسر و دختر زیادی هستند که پسران با کلاه سفید و دختران با حجاب به مسجد می‌روند و نماز می‌خوانند. شبها که فرصت و فراغت بیشتری است، تعداد بیشتری به مساجد می‌روند. من شنیدم بعضی از دانش‌آموزان بعد از خواندن نماز ظهر برای آموزش مسائل دینی دوباره به مدرسه بازمی‌گردند. آنها در تعطیلات تابستانی و زمستانی بیشتر شان قرآن را می‌آموزند و سوره‌های کوتاه قرآن را یاد می‌گیرند. در گذشته سیاستهای دولت، چنین چیزهایی را اجازه نمی‌داد. واقعیت این را نشان می‌دهد که هر زمان تعداد نمازگزاران بیشتر باشد و به دستورات قرآن بهتر عمل شود، امنیت و نظم جامعه بهتر می‌شود. اینها دلیل بر این است که اسلام بر پیشرفت و امنیت و صلح جامعه تأثیر زیادی دارد. البته تأثیر قرآن بیش از اینهاست؛ مثلاً در قرآن آیه‌ای است که می‌فرماید: «وَأَقْتَصِبُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» این آیه درباره وحدت مسلمانان است و برای ما خیلی مهم است. مسلمانان به خاطر وحدت چنین پیشرفت‌های چشمگیری را به دست آورده‌اند. در گذشته شناخت کافی نسبت به معارف و تعالیم اسلامی وجود نداشت و به خاطر چیزهایی خیلی کوچک میان مسلمانان اختلاف و گروه‌بندی به وجود می‌آمد و با یکدیگر دشمنی می‌کردند و گاهی به برخورد با یکدیگر می‌انجامید.

الآن با اینکه در چین مذاهب مختلفی وجود دارد، اما وحدت و ارتباط صمیمانه‌ای میان مسلمانان حاکم است و خوددینی و خودمحوری در بین آنان نیست؛ مثلاً در عید قربان و عید فطر، دهها بلکه صدها هزار مسلمان در یک مسجد جمع می‌شوند و با هم نماز می‌خوانند. در چنین مراسم باشکوهی اختلافات مذهبی رنگ می‌بازد.

من آمار دیگری را ذکر می‌کنم که نشان دهنده پیشرفت اسلام در چین است. در دهه هشتاد قرن گذشته، حجاج چینی فقط ۲۰ نفر بودند، ولی در سالهای اخیر شمار آنان هر سال بیشتر شده‌اند. در سال گذشته آمار حجاج چینی به بیش از ده هزار نفر رسید و اگر مشکل امنیتی و سرویس‌دهی نباشد، آمار حجاج چینی به چندین برابر افزایش می‌یابد. این نشان می‌دهد سیاست دینی در چین بهتر شده است. در سالهای اخیر وضعیت اقتصادی و توان مالی مسلمانان هم نسبت به گذشته بهتر شده است. بدون شک در چنین شرایطی اسلام در چین گسترش پیدا می‌کند.

جایگاه پیامبر در ارتباط با هدایت بشر چیست؟

— قرآن پیامبر را به عنوان بشری همچون تمام انسانها معرفی می‌کند. اگر چه حضرت محمد (ص) پیامبر خدا و الگوی ماست ولی او نیز بشر است و دستورات خدا را به مو به مو عمل می‌کند. دستورات پیامبر از یک سو مطابق با توان انسانهاست و از سوی دیگر پیامبر خودش قبل از دیگران به آن عمل می‌کرد و سپس مردم را به عمل به آنها فرامی‌خواند. پیامبر با مردم نماز می‌خواند و به سجده می‌رفت، ولی به هیچ وجه به دیگران اجازه نمی‌دهد که او را سجده و تعظیم کنند. پیامبر هیچ‌گاه به خود توجه و به مردم بی‌توجهی نکرد و تمام عمر در راه فداکاری و بهبود زندگی مردم در تلاش بود. او همیشه امیدوار بود که انسانها بدون توجه به رنگ، پوست، نژاد و قومیت در کنار هم با صلح و صفا زندگی کنند.

در کلمه شهادت «اشهد ان محمداً عبده و رسوله» رابطه پیامبر و خداوند رابطه عبد و مولی معرفی شده است؛ بنابراین هر کسی که تاریخ زندگی پیامبر را بررسی کند می‌داند که او نه تنها فرستاده خدا و رهبر دینی مسلمانان است، بلکه دعوت‌کننده به امر به معروف و نهی از منکر نیز هست.

به نظر شما آیا قرآن در جهان اسلام مهجور است؟

— در میان مسلمانان کسانی هستند که از قرآن به عنوان وسیله‌ای برای نجات مردگان استفاده می‌کنند. آنها به پدر و مادر نیکی نمی‌کنند، ولی وقتی پدر و مادرشان از دنیا رفتند، روحانیون و قاریان را برای تلاوت قرآن در مجالس ترحیم دعوت می‌کنند و می‌خواهند از این طریق گناهان پدر و مادرشان آمرزیده شود و آنان به بهشت بروند. به بهشت رفتن افراد به اعتقادات و عمل آنان به دستورات و تعالیم اسلام بستگی دارد نه به میزان پولی که به قاریان قرآن می‌دهند!

من هرگاه قرآن را مطالعه و در آن غور و تحقیق می‌کنم، ایمانم بیشتر و کامل‌تر می‌شود؛ بنابراین آماده‌ام که تمام زندگی خود را در راه آموختن قرآن و ترویج آن صرف کنم. در این چند سال اخیر عده زیادی به آیین اسلام مشرف شده‌اند و برخی از افرادی هم که از اسلام فاصله گرفته بودند به سوی این دین بازگشته و شروع به یادگیری قرآن کرده‌اند؛ به ویژه برخی از دانشجویانی که از اسلام دور شده بودند، فکر دینی پیدا کرده و به سمت یادگیری قرآن و اسلام گرایش یافته‌اند.